



آیت‌الله سیداحمد حسینی خراسانی

## حوزه علمیه کارآمد و انقلابی از دیدگاه امام صادق علیه‌السلام

### فاجعه فیضیه، سرآغاز پیروزی انقلاب اسلامی

اشاره: شصت و دومین سالگرد واقعه تلخ و فاجعه آسف‌اندگیز عصر روز ۲۵ شَوال مطابق با دوم فروردین‌ماه سال ۱۳۴۲ که مراسم عزای امام صادق علیه‌السلام در همین مکان بامکانت و پرشرافت یعنی مدرسه مبارکه فیضیه، برپا گردیده بود و حوزه علمیه، زعما و بزرگان در سوگ آن‌بزرگ به ماتم و غزا نشستند، دژخیمان رژیم پلید پهلوی به سربازان امام زمان علیه‌السلام و شاگردان امام صادق علیه‌السلام، هجمه آوردند و برخی را شهید و برخی را مجروح و مصدوم ساختند و جنایتی بزرگ خلق کردند و این اقدام سرآغاز یک نهضت عظیم و بزرگ گردید.

آیت‌الله حسینی خراسانی، عضو فقهای شورای نگهبان، در مراسم عزاداری شهادت امام صادق علیه‌السلام و آئین گرامی داشت شهدای حادثه مدرسه فیضیه در سال ۱۳۴۲، که هر ساله از طرف بیت مکرر آیت‌الله‌العظمی گلپایگانی علیه‌السلام، در این مدرسه برگزار می‌گردد، طی سخنانی ضمن تشریح ابعاد مختلف حادثه فِیجیه مدرسه فیضیه به تبیین حوزه علمیه مورد رضایت امام صادق علیه‌السلام و حوزه انقلابی و کارآمد پرداخت که گزارشی مختصر در شمارگان قبلی منتشر گردید متن تفصیلی آن در این شماره تقدیم می‌شود.

- مجلس یادگاری آیت‌الله‌العظمی شیخ عبدالکریم حائری علیه‌السلام**

از شصت و دو سال قبل از این؛ یعنی دوم فروردین‌ماه سال ۱۳۴۲، در همین مکان باشرافت و باعظمت، مجلس عزای امام صادق علیه‌السلام برگزار می‌شود؛ البته این مجلس یادگاری آیات عظام شیخ عبدالکریم حائری، صدر، حجت و بروجردی علیه‌السلام است؛ اما به‌فاصله دو سال از رحلت آیت‌الله‌العظمی بروجردی علیه‌السلام، فقیه اهل‌البیت علیه‌السلام آیت‌الله‌العظمی سید محمدرضا گلپایگانی حشروه‌الله مع مولا و مولّا ابی‌عبدالله الصادق علیه‌السلام، مجلس عزای امام صادق را در مدرسه فیضیه مجدداً احیاء می‌کنند. چون نظر این بزرگان این است که عزت و شرافت و بقاء و استقلال شیعه از قال الصادق علیه‌السلام است و این مجلس را همه ساله برگزار می‌کردند.

- گزارشی از فاجعه فیضیه ۱۳۴۲**

به‌اقتضای آن روزگار و شرایط خاص سیاسی که به وجود آمده است، از سراسر کشور مردم در آن روز در مدرسه فیضیه حضور یافتند و طبق اسناد و گزارش‌هایی که شاهدان عینی آن واقعه نقل کرده‌اند، محوطه مدرسه فیضیه مملو از جمعیت بود که ناگاه جمعیتی مزدور از عناصر رژیمِی ضد اسلامی و ضد قرآنی که در مجلس با لباس میدل حضور یافته بودند، شرارت و شیظنت می‌کنند و مجلس را به هم می‌زنند و سخنرانان محترم مجلس سعی می‌کنند که نظم مجلس را حفظ کنند؛ ولی آن‌ها وقاحت می‌کنند و در نتیجه وضع مجلس متشنج می‌شود و بعضی همچون حجت-الاسلام و المسلمین شهید سیدنیونس رودباری را از بالای پشت بام مدرسه

- آغاز سخن**

بارها با خود فکر می‌کردم که چه خوب بود، به‌جای این همه روایات و مطالب پراکنده جهت دین‌باوری، کتابی بدون مطالب زاید و یا اغراق‌آمیز و یا مطالبی که با عقل و اندیشه سازگاری ندارد، در‌دسترس عموم مردم قرار می‌گرفت و یا دانشمندان دینی، کتابی بازبینی‌شده نه بازسازی شده، تهیه و در دسترس عموم قرار می‌دادند و در مورد دین‌باوری، مطالبی را ارائه می‌نمودند که از پراکنده‌گویی و تهافت‌های علمی و عقلی، پرهیز و مردم را به آن دعوت می‌نمودند؛ کتابی که خارج از سلیقه‌های شخصی گروهی خاص بود. بارها به کتاب‌های گوناگون مراجعه می‌کردم تا ناگاه به کتاب وزین مصباح‌الشریعه مراجعه کردم و از این کتاب بهره‌ها بردم؛ اما به این کتاب، با این دید که جامع و نسخه‌ای برای عمل کردن به آن باشد، نمی‌اندیشیدم؛ زیرا به هر کتابی مراجعه می‌کردم، ساختارشنکی‌هایی در آن به چشم می‌خورد و یا بعضی از روایات سلیقه‌ای، در آن نقل شده بود که با روح دین سازگاری نداشت؛ اما وقتی با دیده دقت، به این کتاب مراجعه کردم، دیدم کتابی است جامع و نسخه‌ای کامل که می‌تواند، عطش علمی و عملی دینی هر انسانی را پاسخ دهد و به‌همین دلیل درصدد ارائه شرحی بر آن برآمدم؛ زیرا به آن به‌عنوان کتابی که‌نظیر و برخوردار از مطالب علمی، اخلاقی، عرفانی و اجتماعی که در صورت عمل به آن، انسان سعادت‌مند خواهد شد، می‌نگریستم. سیدبن طاووس علیه‌السلام گوید: هر مسافری باید این کتاب را با خود داشته باشد؛ زیرا این کتاب، کتابی لطیف و شریف در بیان راه و روش سیر و سلوک به طرف خداوند است. او معتقد است، اگرچه این کتاب از حیج اندکی برخوردار است؛ اما دارای معانی زیادی است.

- مصباح‌الشّریعه اثر کیست؟**

همان‌گونه که در مقدمه شرح بر مصباح نگاشته‌ام، در مورد کتاب «مصباح‌الشّریعه و مفتاح‌الحقیقه» که منسوب به امام جعفر صادق علیه‌السلام است، سه نظر وجود دارد: برخی انتساب آن به امام صادق علیه‌السلام را پذیرفته‌اند؛ همچون سیدبن طاووس که او نخستین کسی است که در کتاب «کشف المحجّه» و کتاب «امان من اخطار الاسفار والأیمان»، این



داده است، از زبان یکی از شاهدان عینی واقعه که خود صاحب مجلس است و آن اجتماع بزرگ، به دعوت او صورت گرفته است؛ یعنی آیت‌الله‌العظمی آقای سید محمدرضا گلپایگانی علیه‌السلام که در خاطراتی از ایشان به روایت اسناد نقل شده است، عرایضی داشته باشم. ایشان در خاطرات‌شان می‌فرمایند:

«حادثه فِیجیه مدرسه فیضیه که در مجلسی که از جانب حقیر به‌منظور عزاداری تشکیل شده بود، پیش آمد و خود به چشم خود دیدم که مأمورین جنایت‌کار بی‌جهت به طلاب و علما و مسلمانان بی‌دفاع که از نقاط مختلفه آمده بودند، حمله برده و آن اعمال وحشیانه را مرتکب شدند».

این نگاه این مرجع است. این تحلیل این فقیه است. این گزارش این بزرگ است. آن‌ها چه می‌خواستند؟ چرا این اتفاق در روز شهادت امام صادق علیه‌السلام پیش آمد؟ آن‌ها هم فهمیده‌اند که عزت شیعه از قال الصادق علیه‌السلام است، آن‌ها می‌خواستند، کار ناتمام غفرت‌های بنی‌امیه و ابلیس‌های بنی‌عباس را تمام کنند و قال الصادق علیه‌السلام را از جامعه بشری و شیعی بگیرند و امام صادق علیه‌السلام را به فراموشی بسپارند.

- فاجعه فیضیه ۱۳۴۲، سرآغاز شکل‌گیری انقلاب اسلامی**

اجازه بدهید از این فرصت و مجال نورانی که برابم حاصل شده است، استفاده کنم و این نکته را یادآور شوم:

ما همیشه نقطه آغاز نهضت باشکوه روحانیت را به زعامت و امامت امام امت، فخر روزگار، بنیان‌گذار نظام جمهوری اسلامی، امام خمینی علیه‌السلام، ۱۵ خرداد ۴۲ می‌دانیم؛ درحالی‌که به یک معنا آغاز آن نهضت باشکوه که امروز به‌حول و قوه الهی و به دعای خیر حضرت بقیة‌الله ارواحنا فداء و با فداکاری و پایمردی ملت با نجابت ایران همچنان قدرتمندانه به مسیر پرشکوه خودش ادامه می‌دهد، دوم فرودین‌ماه سال ۱۳۴۲ است که به‌فاصله سه‌ماه از آن، ۱۵ خرداد خلق شد؛ ولی در حد فاصل دوم فرودین تا ۱۵ خرداد، علما فریاد زدند، افشاگری نموده و افکار را روشن کردند. علما وظایف ملت را باین‌ا خطر ناشی از ناحیه رژیم منحوس شاهنشاهی را به ملت گوشزد کردند که در نتیجه این افشاگری‌ها، ۱۵ خرداد به وجود آمد و کانون، مبدأ و آغاز ۱۵ خرداد هم، همین مکان شریف بود که تا به امروز، همه قدرت‌های شیطانی را به چالش کشیده است و در حقیقت، مایه افتخار و سرافرازی امام صادق علیه‌السلام در سطح جهانی شده است.

## کلید سر حقیقت

حجت‌الاسلام والمسلمین علی نریمانی

مُصباحُ الشّریعة و مُفتاحُ الحَقِیقة، اثری به زبان عربی و منسوب به امام جعفر صادق علیه‌السلام است. این کتاب، مشتمل بر روایاتی اخلاقی و عرفانی در ضمن ۱۰۰ باب است. برخی چون سیدبن طاووس و محدث نوری علیه‌السلام، کتاب را معتبر دانسته و انتساب به امام صادق علیه‌السلام را پذیرفته‌اند و عده‌ای مانند شیخ حر عاملی و افندی اصفهانی علیه‌السلام، این انتساب را نپذیرفته و آن را به فضیل‌بن عیاض، عارف و زاهد بصری یا کوفی نسبت داده‌اند. این کتاب، از دیرباز، مورد توجه عالمان بوده و روایات فراوانی از آن نقل شده است و شروح و ترجمه‌های فراوانی دارد. یکی از شارحان این کتاب عظیم‌الشان، استاد علی نریمانی است که این تراث ارزشمند را در ۴ مجلد با عنوان «کلید سرّ حقیقت» شرح و ترجمه کرده است. هفته‌نامه «افق حوزه»، در گفت‌وگو با این استاد فرهیخته، به بررسی این اثر ارزشمند پرداخته است که در ادامه می‌خوانید. لازم به ذکر است، حجت الاسلام و المسلمین علی نریمانی در کارنامه علمی خود، کتاب‌هایی چون ترجمه و تلخیص تفسیر المیزان، شرح فصوص‌الحکم فارابی، راز دل، شرحی بر گلشن راز، شرحی بر فصوص‌الحکم ابن‌عربی، عشق از دیدگاه ملاصدرا و ده‌ها اثر دیگر را به ثبت رسانده‌اند.

کتاب را منتسب به امام صادق علیه‌السلام دانسته است که در جای خود بیان خواهیم کرد که نظر ایشان با توجه به مواردی صحیح نیست.

یکی دیگر از کسانی که این کتاب را منتسب به امام صادق علیه‌السلام می‌داند، مرحوم شهید ثانی است که در کتاب‌هایی همچون: «تنبیها‌ت‌العلیة علی اسرار‌الصلاة» و نیز در کتاب «کشف‌الرّیبة» و «منیة‌المريد» و «مسکن‌الفرّاد»، برخی از مطالبش را نقل نموده است. اما برخی این کتاب را به خود او نسبت داده‌اند؛ از جمله عبدالرزاق گیلانی در مقدمه شرح بر «مصباح‌الشریعه» و فرمایشات امام صادق علیه‌السلام را او جمع‌آوری کرده است. همچنین یکی دیگر از کسانی که این کتاب را منتسب به امام صادق علیه‌السلام می‌داند، مرحوم میرزا‌حسین نوری معروف به «محدث نوری» است که در خاتمه کتاب وزین «مستدرک» خود، آن را معتبر دانسته و از امام صادق علیه‌السلام می‌داند و گوید: به‌طور قطع این کتاب از امام صادق علیه‌السلام است و یا مرحوم فیض کاشانی که در نسبت آن به امام صادق علیه‌السلام هیچ شک و شبهه و تردیدی ندارد که البته جای بحث دارد.

- حوزه باید انقلابی بماند!**

این نکته را برادران عزیز من، روحانیون جوان و طلاب فاضل ملاحظه کنند و با تاریخ نهضت و ریشه‌های اصلی آن آشنا بشوند. در این جریان مراجع همه با هم، همراه و همصدا و ید واحده بودند که امت پشت سرشان قرار گرفتند و در نتیجه آن، رژیم منحوس مورد حمایت قدرت‌های شیطانی را درهم شکستند. این مسأله را باید عرض کنم که

امروز بحث حوزه انقلابی و حوزه تراز انقلاب اسلامی مطرح است. رهبری معظم و مکرر انقلاب، خطاب به حوزه پرصلابت و همیشه سرافراز قم فرمود: حوزه باید انقلابی بماند، انقلابی بیندیشد و انقلابی عمل کند و امروز هم این گفتمان شایعی است؛ گفتمان حوزه در تراز انقلاب اسلامی.

سؤالی که مطرح می‌شود، این است که حوزه انقلابی چه حوزه‌ای است؟ حوزه انقلابی، یعنی حوزه مورد انتظار امام صادق علیه‌السلام. حوزه مورد انتظار امام صادق علیه‌السلام، حوزه‌ای است که از نظر بنیه علمی قوی باشد تا دنیا را در برابر خودش خاضع کند و برای دنیا حرف داشته باشد.

- حوزه مورد رضایت امام صادق علیه‌السلام**

این‌گونه نبوده است که تربیت چهار هزار شاگرد سهل و آسان باشد؛ به این معنا که همه شرایط و زمینه‌ها فراهم باشد که امام صادق علیه‌السلام شاگردپروی نماید؛ بلکه غفرت‌ها کارشنکی می‌کردند و در همان شرایط سخت و دشوار، امام صادق علیه‌السلام موفق شد که چهار هزار شاگرد تربیت نماید. یکی از شاگردان این مکتب، جناب ابان‌بن تغلب است. طبق گزارش جناب نجاشی در فهرست یا در کتاب رجالش، امام باقر علیه‌السلام خطاب به ابان فرمودند: «اجلس فی مسجد المدینة وأفت الناس؛ فإنی احبّ أن یری فی شیعتی مثلك» (مستدرک‌الوسائل، ج ۱۷، ص ۳۱۵؛ رجال ابن‌داود، ص ۱۰، شماره ۴؛ رجال علامه حلی علیه‌السلام، ص ۲۱؛ رجال نجاشی، ص ۱۰) در مسجد مدینه بنشین و برای مردم (پیروان همه مذاهب) فتوا بده که من دوست می‌دارم، در بین شیعیان امثال تو دیده شوم.

ما می‌توانیم بگوییم: امام باقر علیه‌السلام می‌فرماید: آقای سید محمدرضا گلپایگانی! اجلس فی جامع القم وأفت الناس فانی احب أن یری فی شیعتی مثلك. ما می‌توانیم ادعا کنیم، امام باقر علیه‌السلام می‌فرماید: ای سیدروح‌الله خمینی! اجلس فی مسجد جامع بقم وأفت الناس فانی احب أن یری فی شیعتی مثلك؛ و امروز هم به‌فضل پوردرگار و دعای حضرت ولی‌عصر علیه‌السلام می‌بینیم که کسانی که امام باقر و امام صادق علیه‌السلام از ایشان رضایت‌مندی کامل دارند، در کرسی مقدس و باعظمت فتوا می‌نشینند و فقه امام صادق علیه‌السلام را به جهانان عرض می‌نمایند و به مشتاقان و علاقه‌مندان و مقلدان خودشان فتوا دهند.

این ابان‌بن تغلب کسی است که وقتی امام صادق علیه‌السلام خبر رحلت او را دریافت کرد، فرمود: «أما والله، لقد أوجع قلبی موت أبان» (وسائل‌ الشیعة ط-آل‌البیت علیه‌السلام، ج ۳۰ ص ۲۳)؛ دوستان من شیعیان من بدانید! به‌خدا سوگند! از دریافت خبر تأسف‌انگیز مرگ ابان‌بن تغلب قلبم به درد آمد.

ما می‌توانیم بگوییم: رحلت مرجع لایق و صالح آیت‌الله‌العظمی گلپایگانی علیه‌السلام قلب امام صادق علیه‌السلام را به درد آورد.

ما می‌توانیم بگوییم: رحلت بنیان‌گذار نظام جمهوری اسلامی، صاحب نهضت ۱۵ خرداد و صاحب این همه شوکت و عزت جهانی برای شیعه، قلب امام صادق علیه‌السلام را به درد آورد.

غرضم این است که باید حوزه علمیه‌ای داشته باشیم که خروجی و حاصل و نتیجه آن، ابان‌بن تغلب‌ها باشند که امام از تصدی کرسی و منصب و شأن شریف فتوا برای آن‌ها رضایت‌مندی کامل داشته باشد و اگر از دنیا رفتند، مرگ آن‌ها قلب امام صادق علیه‌السلام را به درد بیاورد. این حوزه، حوزه در تراز انقلاب و مورد انتظار امام صادق علیه‌السلام است. عزیزان حوزه‌های علمیه شیعه، حوزه پرصلابت و همیشه سرافراز و سربلند علمیه قم، یادگار امام صادق علیه‌السلام است. این یادگاری را باید حفظ کنیم.

تهیه و تنظیم:حمید کرمی

کتاب از آنان بعید به نظر می‌رسد.

هرچه که باشد، این کتاب یکی از جامع‌ترین کتاب‌های شیعه در آداب اجتماعی، اخلاقی و عرفانی است که هر کس دسترسی به آن داشته باشد، می‌تواند درون خود را از آلودگی‌ها پاک نگهدارد.

- شروحی بر این کتاب نوشته‌اند از جمله:**

۱. نخستین شرحی بر این کتاب، شرح جناب آقا میرزااحمد عبدالحی متروزی تبریزی بوده است؛
۲. بیان‌الاسرار، نوشته شیخ حسن زاهدی که او به روش عرفانی، شرحی موجز بر کتاب مصباح نگاشته است؛
۳. شرح مصباح‌الشریعه، نوشته ملاّ عبدالرزاق گیلانی (در سال ۱۳۴۲)؛
۴. ضیاء‌المصباح، نوشته یحیی‌بن محین‌بن حسن‌بن جعفرین صالح؛
۵. عرفان اسلامی، شرح مصباح‌الشریعه، نوشته حسین انصاریان؛
۶. شرق بی‌غروب، ترجمه سید علی‌اکبر صداقت؛

۷. مرحوم علامه سیدحسن مصطفوی نیز، شرحی بر مصباح (در سال ۱۳۹۸ هجری قمری) زده است که امروزه مورد استفاده عموم مردم قرار می‌گیرد؛
۸. منهاج انوارالمعرفة فی شرح مصباح‌الشریعه، نوشته ابوالقاسم راز شیرازی (وفات ۱۲۸۶)؛
۹. کلید سرّ حقیقت، ترجمه و شرح «علی نریمانی» نویسنده این نوشتار.

اما این مطلب که «برخی از متصوّف در ایجاد این کتاب دخیل بوده‌اند»، سخنی نادرست است؛ زیرا برخی از مفاهیم و مسائل عرفانی از زمانی که انسان با به عرصه اجتماع گذاشت، مطرح بوده است و امام صادق علیه‌السلام نیز، گاهی از برخی مفاهیم، بهره اخلاقی – عرفانی برده است و این دلیلی نیست، بر اینکه ما بگوییم، عرفا و یا متصوّف در آن دخالت داشته‌اند و یا برخی گفته‌اند: «عنوان صحابه و تمجید و تعریف از آنان مربوط به اهل‌سنت است و با توجه به اینکه امام صادق علیه‌السلام همه صحابه را قبول نداشته، بنابراین به کتاب افزوده شده است.» ما همیشه باید خود را در ظرف زمان امام صادق علیه‌السلام قرار داده و سپس قضاوت کنیم.

کلید سر حقیقت

ترجمه و شرح

مصباح الشریعه و منهاج العبد

منسوب به امام صادق (علیه السلام)

جلد یکم

علی نریمانی

حک ننموده است. اینکه گفتیم: این کتاب نمی‌تواند نوشته شخص امام صادق علیه‌السلام باشد، به چند دلیل می‌باشد:

۱. شروع این کتاب با «قال‌الضادّی» است؛ بنابراین کسی از او روایت کرده است و نمی‌تواند، خود انسان مطلبی را به‌صورت جداگانه از خودش نقل نماید؛ زیرا کسی که خودش، نویسنده یک کتاب است، عقلی نیست که از خودش مطلبی را نقل نماید؛ مگر اینکه آن مطلب از کتاب دیگر او باشد که او آن را به کتابش ارجاع دهد. پس نویسنده کس دیگر است که مطلب را از او نقل می‌کند.
۲. گاهی از اشخاصی نقل قول گردیده که خود آنان جیره‌خوار اهل‌بیت علیه‌السلام بوده‌اند؛ مثل مطلبی که از «زیدبن ثابت» در باب قاریان قرآن نقل می‌کند و یا از «ربیع‌بن خُثَیم» در بحث رکوع که انسان یقین پیدا می‌کند که این کتاب، از شخص امام صادق علیه‌السلام نیست.
۳. اساساً هیچ‌یک از اهل‌بیت علیه‌السلام کتابی نگاشته‌اند و شاید سرّش هم این باشد که شاید یک کتاب در درازمدّت، دست‌خوش انحراف و اشتباهات قلمی و یا چاپی و یا مورد تحریف قلم‌به‌دستان مزور قرار گیرد؛ بنابراین نگاشتن